

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی  
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر  
شماره پیاپی: بیست و هشتم - تابستان ۱۳۹۵  
از صفحه ۱۰۳ تا ۱۲۴

## چهره زروان در «کوش نامه» با رویکرد تمثیلی\*

مرضیه ندافی<sup>۱</sup>

مدرس مرکز آموزش عالی، واحد استهبان - ایران

نعیمه متوسلی<sup>۲</sup>

مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دشتستان - ایران

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی آیین زروانی در متن حماسی «کوش نامه» اثر ایرانشان (ایران‌شاه) بن ابوالخیر می‌پردازد. زروان، خدای زمان، از آیین‌های رایج ایران باستان است که فلسفه و اندیشه‌های آن در متون فارسی به خصوص متن‌های حماسی، بازتاب گسترده‌ای یافته است. در این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوایی، ابتدا زروانیسم و فلسفه آن به صورت مختصر، معرفی شده؛ سپس با بررسی متن «کوش نامه» چهره و اندیشه‌های این آیین از خلال بیت‌های آن نمایان شده است. با بررسی محتوای «کوش نامه» این نتیجه حاصل می‌گردد که چهره زروان در دو قالب زمان و سپهر به صورت گسترده‌ای در این متن بازتاب داشته است. زمان در قالب زمان کرانمند و بیکران شامل شب و روز، سرنوشت و تقدیر و چهره سیاه و گریز ناپذیر مرگ رخ می‌نماید. سپهر نیز چهره خود را به صورت ستارگان و تأثیر آنان در سرنوشت و بخت آدمی، طالع بینی، ستاره شناسی و تقدیر جبرگرایانه، نمودار ساخته است.

**واژگان کلیدی:** زروان، کوش نامه، زمان، تقدیر، مرگ، جبر.

---

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱

پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Nadafi\_88@yahoo.com

پست الکترونیک ۲: n.motevaseli@yahoo.com

## مقدمه

باورها، اندیشه‌ها و اخلاق و رسوم هر ملتی در ادبیات آن ملت انعکاس می‌یابد. به طور قطع بررسی متون ادبی حماسی که جنبه‌ی اساطیری دارند، می‌تواند بسیاری از نقطه‌های تاریک گذشته را روشن نماید. از سوی دیگر بحث دین و اعتقادات از جمله بحث‌های مهم و چالش برانگیزی است که همواره محققین حوزه تاریخ، دین و عرفان با آن روبرو بوده و هستند. بررسی اندیشه‌های زروانیسم به عنوان یکی از آیین‌های قدیم ایران باستان، در متون حماسی فارسی می‌تواند فایده‌های بسیار مهمی در حوزه‌ی ادبیات، تاریخ، دین و عرفان داشته باشد.

یکی از مذهب‌های رایج در ایران پیش از اسلام، آیین زروانی بوده که از جمله فرقه‌ها و مذهب‌های مزدیسنا محسوب می‌گردد. در این مذهب، زروان که خدای زمان است، به عنوان خدای برین پرستش شده و با لقب‌های «زمان بیکران» و «زمان درنگ خدای» از او نام برده می‌شود. در این مذهب عقیده بر آن است که زروان، پدر اهورا و اهریمن است و دو منبع خیر و شر دارد. بهترین منبع انعکاس باورها و اندیشه‌های ایران باستان متون دسته اول حماسی است. حماسه به دلیل دارا بودن جنبه‌ی تاریخی و اسطوره‌ای، آماده‌ترین بستر برای شناخت افکار و اعتقادات ایران باستان است. غنی‌ترین این منابع، شاه‌نامه حکیم فردوسی توسی است و متن‌هایی که به تقلید از شاه‌نامه شکل گرفته و کم و بیش باورها و اندیشه‌های ایران باستان را در خود منعکس کرده‌اند. یکی از این منابع منظومه‌ی «کوش‌نامه» است. «کوش‌نامه» یکی از آثار حماسی است که به تبعیت از شاه‌نامه فردوسی شکل گرفته، و در زمره‌ی متون حماسی قلمداد می‌شود؛ از این رو با این هدف که چهره آیین زروانی در آن شناسایی و نمونه‌های کاربرد و تأثیر این آیین در آن معرفی گردد؛ انتخاب گردید تا مورد کنکاش قرار گیرد.

کوش‌نامه به کوشش جلال متینی به جامعه ادب ایران معرفی شده و ایشان با ارائه مقاله‌های متعددی در جهت شناخت بیشتر این منظومه کوشیده‌اند. با توجه به این که تا کنون اثری مستقل از این موضوع در ادبیات فارسی دیده نشده و اگر تحقیقی به انجام رسیده درباره موضوعات دیگر و معرفی بیشتر کوش‌نامه بوده است، موضوع این پژوهش به این امر اختصاص یافت. بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا می‌توان ردپای

زروانیسم را در کوش نامه جست و جو کرد؟ در صورت بازتاب اندیشه زروانیسم در کوش نامه، مصادیق و نمونه‌های آن کدام است؟ روش انجام این پژوهش بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای است. از این روی پس از گردآوری اطلاعات لازم، مطالب به روش توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در ابتدا آیین زروانی و خاستگاه و فلسفه‌اش به صورت مختصر، معرفی می‌گردد. سپس کوش نامه به صورت کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بیت‌هایی را که نمودار تأثیر اندیشه زروانیسم بر آن است، برگزیده و در دو دسته ۱- زمان ۲- سپهر به تحلیل آنها می‌پردازیم.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌گران درباره‌ی آیین زروانی و فلسفه و اندیشه‌ی آن بسیار نوشته‌اند. اما نکته‌ای که به آن کمتر توجه شده است، اثرپذیری شاعران از این فرهنگ کهن ایرانی است. از اصول مهم آیین زروانی، بحث‌هایی چون زمان، نبرد خیر و شر، قضا و قدر، بخت، اقبال و سرنوشت و مرگ موضوعاتی است که اغلب مورد توجه پژوهش‌گران بوده است و در این زمینه به خصوص درباره‌ی بحث جدال خیر و شر و سرنوشت و تقدیر، تا کنون پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های متعددی به انجام رسیده است. برای نمونه حیدرپور (۱۳۸۶)، جعفری (۱۳۸۶)، خدایاری (۱۳۹۱)، کریمیان (۱۳۹۱). جوکار و فاضلی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تطبیقی با عنوان «بررسی شباهت‌های برخی از اندیشه‌های سعدی و باورهای زروانی با تاکید بر مینوی خرد» به موضوعی چون اهمیت و نقش مؤثر آسمان و ستارگان، قدرت دهر و روزگار و به ویژه اهمیت تقدیر و بخت در زندگی انسان از دیدگاه سعدی و تطبیق آن با یکی از منابع اصلی اندیشه‌های زروانی - مینوی خرد- پرداخته‌اند. (جوکار، فضلی، ۱۳۹۳: ۲) هم‌چنین شعبانلو (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب اسطوره آفرینش آیین زروانی در داستان اکوان دیو» به موضوع از دیدگاه اسطوره‌ی آفرینش زروانی نگریسته و آن را تکرار کننده‌ی عمل خلقت می‌داند. در این مقاله نویسندگان بر این باورند که: «داستان جنگ رستم با اکوان از روی اساطیر مربوط به آیین‌های زروانی و مهرپرستی ساخته شده است و در این میان تأثیر اندیشه‌های زروانی بیشتر

نمود دارد.» (شعبانلو، ۱۳۹۱: ۵)

زروان خدای زمان و پدر خوبی و بدی است. نفوذ و رسوخ این اندیشه در ذهن و زندگی ایرانیان باستان چنان شکوهمند و بی‌پروا بوده است که پس از گذشت قرن‌ها و سال‌ها هنوز هم می‌توان در بسیاری از باورهای عامیانه‌ی مردم، پی به نفوذ و تأثیر این اندیشه‌ها برد. پژوهش پیش‌رو به منظور ریشه‌یابی این موضوع فراهم آمده است و با بررسی کوش‌نامه، کوشیده است با نگاهی دقیق بازتاب آموزه‌های یکی از باورها و آیین‌های کهن ایرانی را در این منظومه نشان دهد.

### آیین زروانی

زروان (zurwān) در زبان پهلوی به معنی زمان و ایزد زمان است. در دانشنامه‌ی مزدیسنا در زیر این واژه آمده است: «زروان در اوستا به معنی زمان است که در برخی بندهای یسنا از آن یاد شده است. در سی روزه و برخی بخش‌های اوستا با صفات دَرِغ (دیر و درنگ) و دراجَه (دراز) و اَکَرَن (بیکرانه) و دَرِغوخواذات (زمان درنگ خدای) و یا جاودانی فناپذیر آمده است.» (اوشیدری، ۱۳۸۳: ۳۰۵) در زبان اوستایی، زروان Zurvān اسم است به معنی زمان، زمانه که با صفت بی‌کرانه، جاودانه و خودآفریده آمده است. معتقدان به زروان او را باشنده‌ی غایی نیک و بد می‌دانند. طبق آیین زروانی دو گوهر خیر و شر که در ظاهر متضاد هستند، در اصل دو برادرند که از زروان زاده شده‌اند؛ که یکی «اهورامزدا» که زاینده‌ی نیکی است و دیگری «اهریمن» که آفریننده‌ی بدی است. همه‌ی گیتی و کائنات آفریننده‌ی این دو گوهرند. اگرچه در اوستا از «زروان» به وضوح نامی برده نشده و تنها از شواهد و قراین موجود در بندهایی از یسناها به این آیین می‌توان دست یافت و از ظاهر امر پیداست که زروان در اوستا ایزد پر اهمیتی نبوده، اما منابع دیگری موجود است که آشکارا از وجود ایزدی به نام «زروان» به عنوان آفریدگار دو عنصر خیر و شر، نام برده‌اند. این منابع را بر مبنای زمانی و تاریخی به چند دسته تقسیم می‌کنند.

۱- متون پهلوی، زردشتی و مانوی، شامل: بندهش، مینوی خرد، گزیده‌های زادسپرم،

دینکرد، شکندگمانیک ویچار و روایت‌های پهلوی.

۲- متون فارسی و عربی شامل: الفرق بین الفرق، الملل و النحل شهرستانی، تبصره العوام فی معرفه الانام، غرر اخبار ملوک فرس، التنبیه و الاشراف.

۳- منابع یونانی، ارمنی و سریانی شامل: نقل قول‌های تئوپمپوس خیوسی، نوشته‌های اودوموس رودسی، روایت از نیک کلبی و تئودوروس بارکونای.

به گفته‌ی نیبرگ، خدایان زمان در بسیاری از دین‌های باستانی و فرهنگ‌های قدیم دیده می‌شوند و اغلب جایگاه برجسته‌ای در جمع خدایان ندارند. «این‌ها بیشتر خدایان سرنوشت و خدایان مرگ هستند.» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۳۸۰) اما در آیین زروانی این خدا جایگاه والایی دارد. زمان، همواره در ذهن بشر مسأله‌ای پر اهمیت و مهم جلوه می‌کرده، بنابراین دور از ذهن نیست که از همان آغاز، بشر در پی یافتن ابتدا و انتها (آغاز و انجام) زمان بوده باشد و حتی از او به عنوان خدا یا آفریدگار یاد کند.

یکی از نشانه‌های غیر مستقیم از وجود دین زروان، به اوایل هزاره‌ی اول ق. م باز می‌گردد. به زمانی که گروهی از بودائیان در شمال شرقی ایران در قلمرو سغدیان ساکن شدند و کتب دینی خویش را به سغدی ترجمه کردند. «در این نوشته‌ها بودائیان نام خدای بزرگ خود «براهما» را به زبان سغدی «آزروا» (به معنی زروان) ترجمه کرده‌اند و این نشان می‌دهد که سغدی‌ها با نام زروان آشنا بوده‌اند.» (بنونیست، ۱۳۵۴: ۷۰)

کریستین سن نیز آن را متعلق به اواخر عهد هخامنشی می‌داند و از اودوموس رودیوس<sup>۱</sup> از شاگردان ارسطو نقل می‌کند که: «در زمان هخامنشیان راجع به زروان اختلاف عقیده وجود داشت، گروهی او را خدای واحد قدیم مکان به اوستایی «ثواش» و گروهی آن را خدای زمان به پهلوی «زروان» می‌دانند.» (کریستین سن، ۱۳۸۴: ۱۲۹) بنونیست به گواهی دیگری نیز اشاره می‌کند که روایت پلوتارخوس از نوشته‌ی تئوپمپوس در عصر هخامنشی است. پلوتارخوس در این روایت از نبرد میان دو خدای نیکی و بدی سخن می‌گوید تا آن جا که «یک روز زمان از پیش تعیین شده خواهد آمد که در آن روز بنا به تصمیم سرنوشت اریمینوس (اهورامزدا) و

---

1- odmosrodiyos

اهریمن نابود خواهد شد.» (بنونیست، ۱۳۵۴: ۶۲)

بنابراین می‌توان بر اساس این نقل قول‌ها و روایات، به احتمال عهد هخامنشی را آغاز آیین زروانی بدانیم. اما آیین زروان در عهد ساسانی و با آن چه شیوع این مکتب را در عهد ساسانی آشکار می‌کند، آثار کشف شده در ناحیه‌ی تورفان در اوایل قرن بیستم است. متون مانوی به زبان فارسی میانه که در آنمانی خدای بزرگ را «پدر عظمت» نامیده و از آن با نام «زروان» یاد کرده است. بسیاری از محققان دلیل این امر را در این می‌دانند کهمانی با این کار سعی داشته است تا گفتار خود را با اعتقاد زرتشتیان سازگار کند. در آیینمانی، اهورامزدا، نام یکی از ایزدان درجه‌ی دوم یعنی «انسان نخستین» است که توسط زروان و از طریق مادر زندگان به حیات خوانده شده و پسر زروان محسوب می‌شود. همین که مانویت به عنوان یک آیین نواندیش و بدعت گذار به زروان به عنوان خدایی برتر توجه داشته و برای آن اهمیت قائل شده است، نشان می‌دهد که زروانی‌گری در این دوره بیشتر در قالب یک نهضت فکری مورد توجه آیین‌های نو اندیش بوده است تا آن که به عنوان دستگاه مذهبی مورد توجه قرار گیرد. یکی از عواملی که نشان رواج این آیین در دوره‌ی ساسانی است، نام گذاری در این دوره است که این امر از کتیبه‌ی شاهان ساسانی آشکار می‌شود. «فیلیپ ژنو<sup>۱</sup> در «نام‌های ایرانی در کتیبه‌های ساسانی» از این نام تحت عنوان زرواندا (یکی از حکمای دوازده گانه‌ی مشرق زمین) و زروان ماه، یاد کرده است.» (رضی، ۱۳۸۱: ۱۱۸۶) فردینان یوستی<sup>۲</sup> نیز در کتاب «نام‌های ایرانی» به بحث درباره‌ی نام‌های خاص ایرانی پرداخته و نام‌هایی را که ریشه از زروان داشته‌اند؛ نقل کرده است. این نام‌ها عبارتند از: «زروان (زوروان)، زرواندا، زروان ماه و زروان دخت است.» (یوستی، ۱۳۸۲: ۱۳۵)

## فلسفه‌ی زروان

در فلسفه‌ی زروانی همواره بحث از سرشت و ماهیت مبدأ وجود بر مبنای اصالت زمان

---

<sup>۱</sup> - philippeGinoux

<sup>۲</sup> - Ferdinand Yusti

است؛ چرا که زروانی گری همواره ایرانیان را به اندیشه در حقیقت بیکرانگی زمان و مبدأ وجود آفرینش وا می‌داشت. زروان (زمان بیکران) در اندیشه زروانی، موجود ثابت و لایتغیر نیست بلکه همواره جاری است و در مراحل تعیین خویش در مهره‌ی زمان گذران ظهور می‌کند. همان طور که گفته شد دو اصل نیکی و بدی از زروان صادر می‌شوند و این نشان می‌دهد که زروان توانایی تبدیل از قوه به فعل و تحول آن دو اصل را دارد. اندیشه زروانی پیرامون چهار موضوع اصلی مطرح می‌گردد:

۱- اصالت زمان

۲- جبرگرایی، اعتقاد به شر به عنوان مخلوق زروان. (زروان، خدای بخت و تقدیر است).

۳- آفرینش جهان از ماده اولیه

۴- نگرش بدبینانه به زن

در آیین زروانی، «زروان» یا زمان بیکرانه، منشأ کائنات و ازلی و ابدی است. او ذات بیکرانه است و هرچه جز او کرانه دارد. در زروانی گرایی، اهورامزدا، اهریمن و «وای» خدای فضا، در سه بخش از جهان، کائنات را ساخته و همگی تجلی ذات زروان اند. زروان تنها وجود قدیم است و جز او همه حادث‌اند. وقتی دو اصل و گوهر هستی، یعنی خیر و شر از زروان زاده می‌شوند نشان از آن است که زروان برتر از هستی و نیستی، نور و ظلمت، وجود و عدم و ... است. بدون زمان همه‌ی این‌ها در مرحله‌ی قوه باقی می‌مانند و به فعل نخواهند رسید. بنابراین زروان هم علت مادی است و هم علت صوری. هم فاعلی و هم علت غایی. نیبرگ می‌گوید: «زروان به مثابه‌ی عاملی است که همه‌ی نیروهای سازنده را با هم نگاه می‌دارد.» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۳۸۰)

باید گفت که زروانیان چهار جنبه برای ذات زروان قائل بوده‌اند: ارشوکار، فرشوکار، زروکر و زروان. «اشوکر» به معنی بخشنده‌ی نیروی مردی و مردانگی است. به معنی بخشنده‌ی نیروی رجولیت و سازندگی نیز هست. «فرشوکر» به معنی درخشان کننده و «زروکر» به معنی پیر گرداننده و آورنده‌ی مرگ است. این سه مرحله از حیات انسانی است که خارج از زمان نمی‌باشد و در ظرف زمان روی می‌دهد و زروان همواره ناظر بر آن است. به گفته‌ی نیبرگ

زروان با پدیده‌ها و عوامل طبیعی که گذر زمان را مشخص می‌کند رابطه‌ای استوار داشته است مانند خورشید، ماه و بروج دوازده گانه. زروان هم عضو چهارم این مجموعه بوده و هم در برگرفته‌ی آن، و بدین اعتبار او خدایی چهار پیکری می‌شود.

از قدیمی‌ترین منابعی که درباره اندیشه تقدیرگرایی زروانی در دست است سنگ نوشته‌ی آنتیوخوس کماگنی است که در آن زمان بیکران (خرونوس آپيروس) تعیین کننده‌ی سرنوشت انسان است. مطابق آیین زروانی انسان محکوم تقدیری است که سپهر تعیین کرده است و حتی اهورامزدا و اهریمن نیز در آن نقشی ندارند. در مینوی خرد نیز آمده است: «کار جهان همه به تقدیر و زمانه و بخت مقدر می‌رود که خود زروان فرمانروا و دیرنگ خداست.» (تفضلی، ۱۳۸۴: ۴۲) وجه مشخص زروان، یعنی زمان وجودی، خدای تقدیر است. سرنوشت جهان و تقدیر حاکم بر همه‌ی کائنات از همین جنبه‌ی وجودی خدای زمان محقق می‌شود. به گفته‌ی مینوی خرد: «آن چه بر همه کس و همه چیز مسلط است، بخت است.» (همان: ۴۰)

اگرچه نمی‌توان از تأثیر اندیشه‌های بابلی و یونانی در فرهنگ ایرانی و اعتقاد به تأثیر صور فلکی، ثوابت و سیارات در سرنوشت آدمیان چشم پوشید اما ارتباط و نسبت میان سپهر و زروان و اعتقاد به این که سپهر واسطه‌ی مشیت زروان در کائنات است؛ در متون کهن نیز سخن به میان آمده است. «سپهر آن است که نیکویی بخشد و خدایی و پادشاهی اوراست ... او را که بیش دهد سپهر نیکو و او را که کم دهد سپهر بد خوانند و این بخشش نیز به زمان است.» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۱۱)

### کوش نامه

کوش نامه، روایت زندگی پر فراز و نشیب کوش پیل دندان، فرزند کوش و برادر زاده‌ی ضحاک ماردوش است. سراینده آن ایرانشاه (ایرانشان) بن ابوالخیر است. شاعر کتاب را به غیاث الدین ابوشجاع محمد بن ملک‌شاه سلجوقی تقدیم کرده است. این منظومه در ۱۰۱۲۹ بیت به بحر متقارب مثنی مقصور سروده شده است. سراینده بی آن که نامی از فردوسی بزرگ و شاه نامه برده باشد، بی تردید مانند دیگر حماسه سرایان تحت تأثیر جادوی کلام فردوسی



بوده است. در کتاب «حماسه سرایی در ایران» در معرفی این کتاب آمده است: «کوش نامه یکی از منظومه‌های حماسی است که ظاهراً در قرن پنجم و به تقلید از داستان‌های شاه نامه ساخته شده است. از این داستان منظوم صاحب مجمل‌التواریخ در جزء منظومه‌های حماسی مانند گرشاسب‌نامه و فرامرز نامه و اخبار بهمن که غیر از شاه نامه در دست است، به نام «قصه کوش پیل دندان» سخن گفته است. از این روی این داستان نیز باید مانند فرامرز نامه و اخبار بهمن پیش از سال ۵۲۰ مثلاً در اواخر قرن پنجم به نظم درآمده باشد.» (صفا، ۱۳۸۴: ۲۹۶)

این کتاب به سبک شاه نامه سروده شده که بخشی از رویدادهای تاریخ داستانی ایران باستان را به روایتی متفاوت با شاهنامه فردوسی و شاه‌نامه‌های پیش از آن باز می‌گوید. این کتاب اشاره‌هایی قابل توجه درباره چین و ماچین دارد. از چند افسانه و داستان که منشاء رومی دارد یاد شده و شرحی درباره هر یک آمده است. کوش در این داستان سال‌ها در کشورهای چین و آفریقا و مغرب زمین با ستمگری و بیدادگری حکومت می‌کرده است و عمری طولانی نزدیک به ۱۵۰۰ سال دارد.

### زروان در کوش نامه

متون حماسی دربردارنده‌ی اولین‌ها، باورها و آداب و رسوم مردم گذشته‌اند. در این نوع آثار به ویژه آنان که جنبه‌ی اسطوره‌ای و تاریخی دارند، باورها و عقایدی منعکس شده که ریشه در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران زمین دارد. از جمله مباحثی که در متون حماسی ما به ویژه شاه نامه نمود یافته، مبحث «دین‌های ایرانی» است. به طبع این موضوع در دیگر متن‌های حماسی نیز به نوعی جلوه‌گر شده است. متن مورد بررسی ما «کوش نامه» در زمره‌ی متون حماسی است. هر چند که به صلابت و استواری شاه‌نامه نیست اما در نوع خود تقلید به سزایی است. شاعر با توجه به تاریخ سرایش اثر، قرن پنجم، ناگزیر اعتقاد و باورهای دینی خود را از جمله: شکر باری تعالی، نعت نبی (ص)، مدح پادشاه اسلام و ... را در منظومه منعکس ساخته است. اما گاه در خلال بیت‌ها با مواردی مواجه می‌شویم که ریشه در باورهای ایران باستان دارد و بالطبع برآمده از منابع دست اولی است که در اختیار شاعر قرار داشته است. یکی از این

باورها، آیین زروانی است. در این پژوهش برآنیم تا تأثیر این آیین را در این منظومه بررسی نماییم. پس به بررسی و تحلیل دو عنصر مهم از این آیین یعنی «زمان» و «سپهر» می‌پردازیم.

## ۱- زمان

در آیین زروانی، «زروان» یا زمان بیکرانه، منشأ کائنات و ازلی و ابدی است. او ذات بیکرانه است و هرچه جز او کرانه دارد. در زروانی گرای، اهورامزدا، اهریمن و «وای» خدای فضا، در سه بخش از جهان، کائنات را ساخته و همگی تجلی ذات زروان‌اند. زروان تنها وجود قدیم است و جز او همه حادث‌اند. هم چنان که از نیک کلبی در رساله‌اش نقل کرده: «آن گاه که هیچ چیز وجود نداشت. نه زمین و نه مخلوقاتی که در آسمان و زمین‌اند، تنها زروان وجود داشت.» (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۴۳) در بندهش بخش نخست نیز آمده است: «زمان نیرومندتر از هر دو آفرینش است. آفرینش اهورامزدا و نیز آن اهریمن. زمان یابنده جریان کارهاست و زمان از نیک یابندگان یابنده‌تر است، زمان از آگاهان آگاه‌تر است.» (بهار، ۱۳۶۹: ۲۴)

اعتقاد به زمان و تأثیر آن بر لحظه لحظه زندگی بشر یکی از مهم‌ترین تفکرات آیین زروانی است. زروان به عنوان خدای زمان و مکان ناظر بر همه پدیده‌های هستی است. از ذات هرمزد و اهریمن گرفته تا مخلوقات خیر و شر همگی وابسته به این ذات بیکرانه هستند؛ از این جهت سرمنشأ تمام کائنات را زمان می‌دانند. در میان تمامی اقوام و تمدن‌های کهن، حضور خدای زمان قابل درک است. از تمدن بین‌النهرین و بابل و سومری و روم گرفته تا مصر و هند، این خدای قدرتمند بر روی افکار و باورهای مردمان تأثیری غیر قابل انکار داشته است. اعتقاد به زمان، اعتقاد به سرنوشت و تقدیر را به همراه دارد و به دنبال آن اعتقاد به مرگ، که یکی از اصلی‌ترین تجلی‌های زمان است. مرگی که از آن هیچ راه گریزی نیست. در کوش‌نامه نیز تأثیر زمان و تجلی‌های مختلف آن به وضوح قابل مشاهده است. در این مجال به دسته بندی آن‌ها می‌پردازیم.

## ۱-۱- زمان در معنی وقت و ساعت:

یکی از رایج‌ترین کاربردهای واژه زمان، زمان در معنی وقت و ساعت، مهلت و فرصت است.

که در خویشتن گردد او بدگمان	به گیتی تو دادیش چندان زمان
۵۱۰/۶۸۳۹	
بخواند آبتین را هم اندر زمان	چو برخواند نامه بدو ترجمان
۳۰۷/۲۹۵۶	

## ۱-۲- شب و روز:

شب و روز و یا به عبارتی طلوع و غروب خورشید عامل اصلی زمان محسوب می‌شود. شب و روز دلالت بر زمان محدود کرانمند و زمان پیش از روز و شب نیز دلالتی بر ذات بیکران زروان است. در کوش نامه مقطع‌های زمانی با طلوع و غروب خورشید در ارتباط تنگاتنگ است. چنان که اقدام‌های مهم چون لشکرکشی و جنگ با دشمن، به هنگام سپیده دم و زمان طلوع خورشید انجام می‌گیرد و در مقابل غروب خورشید، پایان روز و فعالیت می‌باشد. در کوش نامه روز بیشتر صحنه جنگ‌ها و درگیری‌هاست.

سپاهی سوی کوهیان سر نهاد	چو هور از بر کوه زیور نهاد
۲۵۵/۱۹۷۴	
رسیدند نزدیک سنگی سپاه	همی راند یک روز و یک شب سپاه
۱۸۰/۵۷۶	
جهان از بر قیر سیماب زد	سپیده چو بر کوه پرتاب زد
۲۲۵/۱۳۷۴	
ز گرد آسمان و زمین تیره گشت	دو لشکر بجوشید و آمد به دشت
۲۲۵/۱۳۷۵	
شتابان بشد بر پی آن سپاه	چو یک نیمه از شب گذر کرد شاه
۲۱۲/۱۱۵۰	

### ۱-۳- سرنوشت و تقدیر:

در تفکر زروانی، به همان اندازه که جهان و کائنات تجلی زروان است و آن را صادره از زروان می‌دانند، آدمی نیز با زروان مرتبط است و در بسیاری از متون پهلوی انسان و کائنات با انسان و آسمان هم جنس دانسته شده است. از نیک، نام زروان را با سرنوشت و بخت و اقبال تفسیر می‌کند. «در بندهش (بخش چهارم) زروان درنگ خدای و تقدیر ایزدی یکسان گرفته می‌شود. در مینوی خرد نیز زروان دیرند خدای، همان تقدیر و بخت مقدر است.» (تفضلی، ۱۳۸۴: ۴۲) زمان به عنوان نیروی مسلط بر تمام هستی و عامل به وجود آورنده‌ی کائنات، مفهوم سرنوشت و تقدیر را به ذهن متبادر می‌سازد. این زمان یا زروان است که با کمک آفریده‌های خود چون آسمان، برج‌ها و ستارگان، سرنوشت بشر را مشخص کرده و رقم می‌زند. بنابراین زمان گاه در معنی خوبی و گاه بدی به کار می‌رود. گاهی با شادی و سازگاری همراه است و گاه شرنگ زهر و ناسازگاری بر آدمی می‌چشاند. در کوش نامه نمونه‌هایی از این کاربردها وجود دارد:

چه مایه بکوشیم از بهر نام	زمانه همی بازدارد لگام
۲۶۰/۲۰۶۴	
زمانه نبینی بتر زآن که شاه	همه راه بیداد دارد نگاه
۴۰۳/۴۷۷۷	
تو را خرده‌ی شیر درنده کرد	زمانه به من مر تو رازنده کرد
۲۴۹/۱۸۴۶	

### ۱-۴- مرگ:

اندیشه‌ی تقدیرگرایی در میان زروانیان منجر به اعتقاداتی درباب مرگ و حتی حضور شر در جهان گردید. همواره مسئله گریز ناپذیر مرگ در میان آدمیان از جمله امور غیر قابل حل بوده است و هیچ کس نمی‌تواند از آن بگریزد. حتی اهورامزدا و اهریمن هم توان آن را ندارند که مرگ را برای همیشه از کسی دور نگه دارند. مرگ قانونی است که به حوزه‌ی بخت و تقدیر ازلی تعلق دارد. یعنی همان مشیتی که اراده زروان است و از طریق زمان وجودی یا زروان

درنگ خدای جاری می‌شود. از آن جا که زروان «خدای نظم» نیز نام دارد، نظم همه‌ی امور در دست اوست و خروج از این نظم حاکم برای هیچ کس میسر نیست. آغاز و انجام هر پدیده در کائنات به دست خدای زمان است. این زمان است که مرگ افراد یا پایان یافتن زندگی را تعیین می‌کند. آوردن مرگ بر عهده‌ی اهریمن است اما زمان آن را زروان تعیین می‌کند. در وندیداد فرگرد ۱۹ بند ۲۹، راهی که پس از مرگ باید پیموده شود راه «زروان آفریده» خوانده شده است. راهی که هم برای نیکان است و هم بدان. این راه در ادبیات زرتشتی «پل چینود» خوانده می‌شود.

یکی از کاربردهای خاص واژه زمان، مرگ است. یکی از جلوه‌های وجودی زروان خدای زمان، مرگ و یا خدای مرگ بودن است. زروان، خدای مرگ و سرنوشت است. بر اساس متون پهلوی، زروان راهی را به سوی فنا و نیستی می‌آفریند. راهی که باید از پل چینوت گذر کرد و روان مردگان از آن عبور یابد. در متون پهلوی از جمله مینوی خرد، زروان یا زمان با صفت مرگ و تعیین کننده زمان مرگ معرفی می‌شود. در کوش نامه نیز گاه زمان در معنی مرگ، مشخصه اصلی زروان دیده می‌شود. در این بیت‌ها زمان، در مفهوم مرگ به کار رفته است:

همانا روان را زمان بودنی است	زگریه تن مرد را سود نیست
۲۱۸/۱۲۵۷	
زمان تا زمانم سرآید زمان	چنین آمد از گردش آسمان
۲۳۱/۱۴۹۴	
فراوان بکوشید و مردی نمود	چو آمد زمانه ز مردی چه سود
۴۰۲/۴۷۴۹	

## ۲- سپهر:

آسمان به عنوان یکی از کهن‌ترین تجلیات قدسی، جایگاه خدا و محل تعیین سرنوشت، سرشار از رازها و ارزش‌های اساطیری و نمادین است. ادیان کهن به حضور آسمان و تأثیر آن بر سرنوشت و زندگی اعتقاد بسیاری داشته و آن را به عنوان خدای قدرتمندی می‌پرستیدند. در روایت‌های مزدیسنان آسمان به عنوان اولین مخلوق هرمزد مورد ستایش قرار گرفته و از آن

جهت که اراده و خواست هر مزد از آن به مردمان می‌رسد، مورد پرستش و تقدس است. چنان که در بندهش آمده: «نخست آسمان را آفرید روشن، آشکارا، بسیار دور و خایه دیسه (= به شکل تخم مرغ) و از خماین که گوهر الماس نر است.» (بهار، ۱۳۶۹: ۴۰)

سپهر کنترل کننده‌ی سرنوشت انسان است چرا که از طریق آن تقدیر زروان به زمین می‌رسد. البته از این نکته نیز نمی‌توان گذشت که آسمان در عین این که تجسم زروان دیرند خدای است؛ آفریده یا صادری از وجود اهورامزدا نیز می‌باشد و به او تعلق دارد؛ و چون هر کجا اهورامزداست اهریمن نیز وجود دارد پس اهریمن نیز در جهان علوی نقش دارد. در آثار ادبی به خصوص حماسی، آسمان اغلب با صفت‌های گوناگونی که هر یک دلالت بر شکل، ظاهر، رنگ، صفت و عملی که انجام می‌دهد، نموده می‌شود. چنان که اغلب با لقب‌هایی چون سپهر، گنبد، چرخ کبود، چرخ، چرخ بلند، گردان سپهر، گردون گردنده، چرخ گردان و ... مطرح شده است.

به گردون گردان چو پرواز کرد	ستاره همی با زمین راز کرد
۲۲۳/۱۳۴۸	
جوانی که تا بود گردان سپهر	نیامد پدید آن چنان ماهچهر
۲۰۹/۱۰۹۶	
همی راه دشمن نگهداشتند	خروش از بر چرخ بگذاشتند
۲۴۶/۱۷۹۹	
سپهر روان را همین است رنگ	گهی آشتی جوید و گاه جنگ
۶۵۱/۹۵۰۷	

## ۲-۱- ستارگان:

یکی از مهم‌ترین موضوع‌های زروانی، توجه به ستارگان و تأثیرات آنان بر روی سرنوشت و بخت و اقبال آدمی می‌باشد. زیرا زروان خدای آفریننده‌ی ستارگان است و خواست و اراده‌ی خود را از طریق ستارگان نمایان می‌سازد. بر اثر اعتقاد به جبر در آیین زروانی، ستارگان نقش

مهم و موثری در تعیین بخت و باورهای مردم دارند؛ چرا که در اعتقاد آنان برجها (صور) منطقه البروج، یک بخش سازنده از فلک‌اند و عاملان فعالی هستند که از طریق آن سرنوشت عمل می‌کند. توجه به خدای آفریننده ستارگان و همچنین سوگند خوردن به آن‌ها نشان از تقدس ستارگان و اهمیت آنان دارد.

جهان‌دیده به مرد سوگند خورد	به خورشید و بر گنبد لاجورد
۲۳۸/۱۶۲۷	
به یزدان کنم نیز سوگند یاد	به ماه و به مهر و به تخت و به داد
۲۳۱/۱۴۹۷	
به کارم یکی نامه فرمود شاه	به نام خداوند خورشید و ماه
۴۵۳/۵۷۶۳	

## ۲-۲- بخت و سرنوشت:

سپهر یا تن زروان در ادبیات پهلوی چون چرخ‌ی فرض شده است و صفت‌هایی چون فلک گردان، چرخ گردان و ... در ادب فارسی نیز بازمانده‌ی اعتقاد به چرخنده بودن آسمان می‌باشد. معلق بودن و جنبش و گردش آسمان و افلاک باعث به وجود آمدن این باور کهن گردیده که سرنوشت آدمی به واسطه‌ی چرخش طبقات آسمان به وجود می‌آید. گردش آسمان و تأثیری که بر روی سرنوشت آدمیان می‌گذارد با عنوان گردش روزگار خوانده شده، گردش‌ی که در آن هیچ توقف و درنگی نیست. خوبی و بدی از آن بر سر انسان‌ها می‌بارد و آنان نیز در برابر آن چاره‌ای جز پذیرفتن ندارند. این همان مسأله‌ی جبر و بی‌اختیاری در برابر سرنوشت است. کسی از خواسته و راز سپهر آگاهی ندارد، زیرا سرنوشت هر کس در اختیار زروان است و تنها زروان بر آن واقف است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های زروانی سپهر، باید به تقسیم‌کنندگی بخت و سرنوشت اشاره کرد. زروان، خوبی و بدی را بدون هیچ دریغی بر انسان فرو می‌آورد، گاه از در لطف و محبت وارد می‌شود و گاه زهر تلخ بلا و مصیبت را بر آدمی می‌چشاند.

چنین است این گنبد تیز رو	همی بازی آرایدت نو به نو
۶۲۳/۸۹۴۸	
چنین روزگاری بخواهد کشید	که داند که گردون چه آردپدید
۵۸۸/۸۲۸۴	
چنین است کردار و کارجهان	که او رازها دارد اندر نهران
۲۰۲/۹۷۴	

### ۲-۳ طالع بینی:

همان گونه که ذکر شد توجه به ستارگان و تأثیر قدرت آنان در سرنوشت انسان‌ها از جمله موارد قابل توجه در آیین زروانی است. در آیین زروانی ستارگان به دو دسته‌ی خوب و بد تقسیم می‌شوند و متناسب با این صفات‌ها عمل می‌کنند. گروهی دست نشانده‌ی هرمزاند و سرنوشت خوب را رقم می‌زنند و در مقابل گروه دیگر دست نشانده‌ی اهریمن‌اند و کارشان تباهی و ویرانی عالم و اخلال در کار انسان است.

با توجه به اهمیت ستارگان در این آیین، علم نجوم و ستاره‌شناسی نیز از ویژگی‌های خاص این آیین به حساب می‌آید. در متون حماسی به این خاصیت بسیار توجه شده، چنان که در کوش نامه شاهان و قدرتمندان از شخصیت‌های مثبت گرفته تا منفی به هنگام انجام کاری و یا گرفتن تصمیمی از تولد و جنگ گرفته تا ازدواج، ابتدا به کمک طالع بینان و ستاره‌شماران در پی آن هستند که به وسیله پیشگویی از پایان و سرانجام کارها آگاه شوند. در این میان شاعر از واژه‌های طالع بینی، اختر و ستاره شماری برای رسیدن به مقصود استفاده کرده است. مانند:

همانا چنان است از اختر پدید	که از رومیان کینه باید کشید
۱۶۴/۳۲۰	
از اختر یکی روز فرخ گزید	که با رامش و شادکامی سزید
۴۵۵/۵۸۰۱	



جهانجوی گردنده گردون بدید      همایون یکی روز را برگزید

۳۴۴/۳۶۶۷

همان گه که آواز مژده شنید      ز اخترش هنگام زادن بدید

۳۷۰/۴۲۱۱

## ۲-۴- تقدیر جبرگرایانه:

بخت و اقبال همواره در معنی سرنوشت و طالعی از پیش تعیین شده است. اعتقاد به وجود بخت و اقبال و گاهی شانس متأثر از اعتقاد به قدرتی فراطبیعی است که سرنوشت آدمی را از پیش معین نموده است. سرنوشتی که نوعی جبر را با خود به همراه دارد؛ زیرا چنان که باور داشته باشیم که تقدیر هر کس از پیش مشخص شده و سرانجام او معین است، پس بی گمان مسأله‌ی اختیار و قدرت انتخاب از میان می‌رود.

زروان سرمنشاء و اصل جهان هستی است و جهان نیز حاصل اراده و خواست اوست از طرفی زروان طرحی از پیش معین شده طراحی نمود که بر اساس آن جهان و مدت عمر آن و عوامل اصلی خیر و شر در آن کاملاً آشکار بودند و به کار خود مشغول، تا آن که مدت زمان کرانمند به پایان برسد و همه چیز به اصل اولیه خود یعنی زروان بیکران بپیوندد. پس بی گمان ستارگان و برج‌های فلکی، به عنوان تقسیم کننده‌ی سرنوشت بشر تعیین شدند. سرنوشتی که هیچ مقابله‌ای در برابر آن نمی‌توان کرد. از این روی اعتقادی جبرگرایانه در برابر سرنوشت در اندیشه‌های پیروان زروان نقش می‌بندد. در کتاب مینوی خرد درباره این عقیده جبرگرایانه آمده است، پرسید دانا از مینوی خرد که به خرد و دانایی با تقدیر می‌توان ستیزه کرد یا نه؟ مینوی خرد پاسخ داد که: «حتی با نیرو و زورمندی خرد و دانایی هم با تقدیر نمی‌توان ستیزه کرد. چه هنگامی که تقدیر برای نیکی یا بدی فرا رسد دانا در کار گمراه و نادان کاردان، و بد دل دلیرتر، و دلیرتر بد دل، و کوشا کاهل و کاهل کوشا شود. و چنان است که با آن چیزی که مقدر شده است سببی نیز همراه می‌آید و هر چیز دیگر را می‌راند.» (تفضلی، ۱۳۸۴: ۴۲)

به این واسطه سرنوشت انسان قابل تغییر و تبدیل نیست. در کوش نامه، بخت و تقدیر اغلب

با واژه‌هایی چون نبشته، بودنی، آسمان، بخت و راز خداوند به کار رفته است.

بکشید بیچاره دیهیم سخت      چه سود است کوشش، کرا نیست بخت

۳۱۳/۳۰۸۳

نبشته چنین بود شاها درست      چو یزدان بیبوست نتوان گسست

۳۴۸/۳۷۵۱

سپه پیشم آورد و صف برکشید      کنون بودنی بود و بود آنچه دید

۵۶۱/۷۸۱۱

کسی آسمان را چه چاره کند      وگر خویشتن چون ستاره کند

۲۸۴/۲۵۲۷

یکی از نتایج اصلی اعتقاد به بخت و تقدیر جبرگرایانه، سرخوردگی از دنیا و بی وفا شمردن آن است. آن هنگام که روزگار بر وفق مراد آدمیان نچرخد و نتیجه‌ای جز غم و حسرت و درد برای انسان به همراه نداشته باشد؛ این سرای سپنج در دید انسان بیش از پیش ناخوشایند و بی وفا جلوه می‌کند. اندیشه مبتنی بر ناخوشایند بودن دنیا و عدم استفاده مناسب از نعمت‌های آن و سرانجام مرگ و نیستی همواره بر ذهن زروانیان تأثیرگذار بوده است.

بدو گفت دستور کای شهریار      دل خویش از این کار غمگین مدار

۳۷۲/۴۲۴۴

که کس را بدین گیتی امید نیست      سرای درنگی و جاوید نیست

۳۷۲/۴۲۴۵

جهان را چنین دیدم آیین و سان      نماند چنین جایگاه کسان

۴۴۵/۵۶۲۳

بر این و بر آن برسر آید همی      به جایش یکی دیگر آید همی

۴۴۵/۵۶۲۴

چنین است فرجام کار جهان      چو نوش آشکارا، شرنگ از نهران

۵۲۷/۷۱۶۹

یکی را برآید به چرخ از مگاک  
همو باز گرداندش زیر خاک  
۵۲۷/۷۱۷۰

تو گر هوشیاری در او دل میند  
که راهش تباه است و کارش گزند  
۵۲۷/۷۱۷۳

### نتیجه گیری

کوش نامه، منظومه‌ای حماسی اساطیری است که در قرن پنجم هجری توسط ایرانیان (ایران‌شاه) بن ابی الخیر به زبان فارسی نوشته شده است. این کتاب به سبک شاه نامه سروده شده است و زندگی پر فراز و فرود کوش پیل دندان را از تولد تا ۱۵۰۰ سالگی در یک منظومه ۱۰ هزار بیتی به تصویر می‌کشد. اگر چه کوش نامه در صلابت و استواری همتای شاه نامه فردوسی نیست؛ اما با توجه به موضوع خود و نحوه پرداختن شاعر به آن، در زمره آثار حماسی است و بالطبع از خصوصیت‌های متون حماسی برخوردار است. با مطالعه این اثر، پی به نفوذ و حضور اندیشه زروانی در خلال برخی از بیت‌ها می‌بریم. آن جا که شاعر مصادیق زمان، شب و روز، تقدیر، بخت، طالع بینی، مرگ، جبرگرایی سرنوشت و بی وفایی دنیا و زمانه را به تصویر می‌کشد؛ ردپای زروان را می‌بینیم و متوجه می‌شویم که شاعر دانسته یا نادانسته تحت تأثیر اندیشه‌های زروانی است.

در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در ابتدای پژوهش باید گفت: شاعر در مبحث زمان و سپهر، تحت تأثیر اندیشه‌های زروانی قرار دارد. زمان، عنصر اصلی زروان است. در واقع زروان را خدای زمان می‌نامند. پس آن جا که زمان در معنی وقت و ساعت، شب و روز و بخت و تقدیر به کار می‌رود، زمان کرانمند را به تصویر می‌کشد. مرگ، عنصر جدایی ناپذیر از زمان است. زمانی که انسان را می‌رویاند، می‌پروراند و سرانجام به خاک می‌افکند. این سه حالت چهره واقعی زمان هستند. مرگ جلوه وجودی زروان است. جلوه‌ای که باید آن را در زمره‌ی چهره اهریمنی زروان به حساب آورد. در این منظومه، زمان، در معنی مرگ و اصلی‌ترین خویشکاری زروان به کار رفته است.

از سوی دیگر سپهر، تجلی گاه و مکان زمان است. سپهر با تمام آفریده‌های در آن، همگی آفریده‌های زروان هستند و در خدمت زروان اند تا سرنوشت را بسازند و تقدیرها را رقم بزنند. ستارگان اصلی‌ترین شخصیت‌های این صحنه نمایش پر هیاهو اند. آن جا که به نامشان سوگند یاد می‌شود، قداست و اهمیتشان آشکار می‌گردد و آن جا که انسان‌ها زندگی و سرنوشت خود را با حرکت آنان می‌سنجند و چشم امید به گردش افلاک و بخت نیک دارند، قدرت زروان بیش از پیش نمودار می‌گردد. به طور کلی باید گفت که ایرانیان بنیادین با اندیشه‌های زروانی آشنا بوده است. وی در کوشش نامه، به بیان مهم‌ترین اصول این تفکر یعنی اهمیت زمان و نقش مؤثر آسمان و سپهر و ستارگان، به ویژه اهمیت تقدیر و بخت در زندگی شخصیت‌ها پرداخته است.

### منابع و مأخذ

۱. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۸۳). دانشنامه‌ی مزدیسنا واژه نامه توصیفی آیین زرتشت. تهران: مرکز.
۲. بنونیست، امیل. (۱۳۵۳). ترجمه بهمن سرکاراتی. دین ایرانی بر پایه متن‌های مهم یونانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳. بهار، مهرداد. (۱۳۶۹). فرنیغ دادگی، بندهش. تهران: توس.
۴. تفضلی، احمد. (۱۳۸۴). مینوی خرد. تهران: توس.
۵. جلالی مقدم، مسعود. (۱۳۸۴). آیین زروانی، مکتب فلسفی - عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان. تهران: امیرکبیر.
۶. جوکار، منوچهر. فاضلی، شیمما. (۱۳۹۳). «بررسی شباهت برخی از اندیشه‌های سعدی و باورهای زروانی با تاکید بر مینوی خرد». فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. س ۱۰. ش ۳۷.
۷. رضی، هاشم. (۱۳۸۱). ترجمه و پژوهش اوستا. تهران: بهجت.
۸. شعبانلو، علی رضا. (۱۳۹۱). «بازتاب اسطوره آفرینش آیین زروانی در داستان اکوان دیو». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. س ۸. ش ۲۶.
۹. صفا، ذبیح اله. (۱۳۸۴). حماسه سرایی در ایران. تهران: امیر کبیر.
۱۰. کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۴). ترجمه رشید یاسمی. ایران در زمان ساسانیان. تهران: سیر.
۱۱. متینی، جلال. (۱۳۷۷). سروده حکیم ایرانیان بنی الخیر. کوش نامه. تهران: علمی.

۱۲. نیبرگ، هنریک ساموئل. (۱۳۵۹). ترجمه سیف الدین نجم آبادی. دین‌های ایران باستان. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
۱۳. یوستی، فردیناند. (۱۳۸۲). علی اشرف صادقی. نام‌های ایرانی. تهران: اساطیر.